

مراحل شاخص مشاوره مسیحي
مرحله اول: آغاز کار
فصل هفتم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله اول

فصل هفتم

متقاضیانی که خواهید داشت

همه گونه متقاضی وجود دارد. زمانی که فکر می کنید همه نوع متقاضی را دیده اید، کسی که فکرش را نمی کردید حضور خواهد داشت. منظورم این است که نمی توانم در این فصل تمام نمونه های مختلف را همراه با مسائلشان شرح دهم. اما، مسائلی که بطور معمول متقاضیان دارند را شرح خواهم داد و کمی راجع به آنچه می توانید در راه کمک به آنها بکنید صحبت خواهم کرد. فکر آنکه بتوان از همان جلسه اول راه کلام خدا را به متقاضی نشان داد، برای بسیاری از مشاوران قابل قبول نیست. فکر می کنند، باید ابتدا مسائلی که متقاضی دارد را تفحص نمود. اما معمولاً این درست نیست. اتفاقاً در بیشتر موارد، خود متقاضی دقیقاً می تواند بگوید مسئله اش چیست. کاری که عمدتاً در جلسه اول باید انجام بگیرد، نشان دادن جهتی است که مشاوره مسیحی دنبال خواهد کرد. نشان دادن جهت اولیه مسیر مشاوره سه دلیل عمده را دارد:

۱. می خواهید بدانند که کلام خدا مسائل زندگی انسان را شناسائی کرده و راه حل آن ها را دارد. کتابی است که کاربرد عملی دارد. بسیاری از مسیحیان تنها کتاب مقدس را می خوانند، گویا تنها به این منظور داده شده است. باید بفهمند که کتاب مقدس رابطه مستقیمی با زندگی ایمانداران دارد، و بهترین راه زندگی را در آن می توان یافت.
 ۲. می خواهید جهت (مسیر) را تا حدی برایش آشکار کنید. حتی تکلیفی که در جلسه اول می دهید (تکلیف باید از همان جلسه اول داده شود)، نشانه راهی که دنبال می کنید را خواهد داشت.
 ۳. می خواهید بدانند که شما وقت را تلف نخواهید کرد، و یا اجازه آن را به او نخواهید داد. با وجود آنکه برداشت های عجولانه را بخود راه نخواهید داد (مسیر مشاوره را واجد شرایط موجود خواهید کرد)^(۱)، اما روشن خواهید کرد که انتظار دارید اوضاع تغییر کند، و همچنین می خواهید زود انجام گردد.
- حال ببینیم چه نوع متقاضیانی را خواهید داشت.

متقاضی شاکی ناله گر و غرغرو

هر یک یا همه این صفات را ممکن است در ابتدا مشاهده کنید. هر یک از این صفات در رابطه با زندگی بد می باشند، اما باهم، وهشتناک می گردند. در کنار چنین افرادی بسر بردن طاقت فرسا است. تنها به خود می اندیشند. ممکن است از خدا بخواهید اینگونه افراد را به مشاوره شما نی آورد، اما خدا اینگونه کار نمی کند. این صفات رایج مردمی است که زندگی در این دنیا می کنند. اینگونه متقاضیان همیشه فکر می کنند تقصیر با دیگری است. البته ممکن است تا حدی قبول بکنند که خودشان نیز کار بدی کرده اند، ”اما در مقایسه با کاری که دیگری کرد،“ به آنها توهین شده؛ هیچ کسی تا بحال نبوده چنین شرمی را تحمل کند^(۲). آنها اشکال را در کلیسا، کشیش، شما، مشاوره شما، همسرشان، دوستانشان، و .. خواهند دید. تکیه کلامشان ”چرا“ است، و نه آنکه

دنبال جواب می گردند، بلکه تنها می خواهند شکایت کنند. از شکایت کردن لذت می برند. حال اگر مسئله دیگری وجود ندارد، شکی نیست که مسئله شکایت کردن موجود است، و باید به آن رسیدگی شود. اگر به آن رسیدگی نشود، به جایی نخواهید رسید، چون به جای همکاری، دائماً با شکایات سر و کار خواهید داشت. در نتیجه بهتر است در همان جلسه اول به آن رسیدگی کنید. می توانید از اول قرننیا ۱۰ که در آن پولس را جمع به شکایت صحبت کرده رجوع نمائید. این فصل صحبت از شکایات قوم یهود می کند که باعث بدبختی های آبیای ۵ گردید. آیات ۱ تا ۱۳ را برای متقاضیان بخوانید و بگوئید، ”اگر بخواهیم به مسائلی که صحبت از آن کرده اید بپردازیم، لازم است به مسائلی که در این آیات نام برده شده اول رسیدگی کنیم.“

به متقاضی نشان بدهید چقدر خدا از شکایت بدش می آید و چگونه به آن رسیدگی نمود. سپس نشان بدهید چطور خدا اجازه همه چیز را برای خیریت می دهد تا ما را در شباهت عیسی مسیح در آورد:

رومیان ۸

۲۸: می دانیم در حق آنان که خدا را دوست می دارند و بر طبق اراده او فراخوانده شده اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است.

۲۹: زیرا آنان را که از پیش شناخت، ایشان را همچنین از پیش معین فرمود تا به شکل پسرش درآیند، تا او فرزند ارشد از برادران بسیار باشد.

در نتیجه وقتی شکایت می کنیم، از خدا شاکی هستیم! ضمناً باید به او گفت که این شکایت کردن ها احتمالاً کاری است که به آن عادت شده و ممکن است نیاز به صرف وقت و کوشش کافی داشته باشد تا عادت جدید را جایگزین عادت قدیم بگرداند. اما اگر مایل باشد، شما به او کمک خواهید کرد تا انجام بگیرد (ممکن است از فرآیند ”از خود دور کردن / به خود افزودن“ که در افسسیان ۴ آمده استفاده کنید). اما شما دیگر هیچ گونه شکایت را نخواهید پذیرفت.

متقاضی خشمگین

کسی که شاکی است، ممکن است خشمگین نیز باشد. اما بسیاری این انرژی را برای جنگ و دعوا بکار می برند. عصبانی هستند و شما را از آن با اطلاع خواهند کرد. یا خشم خود را بگونه ای غیر قابل انکار نشان خواهند داد، یا با زخم زبان و یا برداشتی که از دیگران دارند، نشان می دهند که درونشان آتش افروخته شده است. ممکن است بر این خشم سرپوش گذاشته شده باشد، اما نمی تواند قایم بماند. خشم احساسی است که برای پاره کردن و خراب کردن بکار می رود. دنبال راهی می گردد که خود را آشکار کند.

متقاضی افسرده

معمولاً همراه مسائل دیگر (مسائل زناشویی، از دست دادن کار، غیره)، افسردگان را نیز خواهید داشت. مسئله آنها بطوری که خواهید دید مسئله قدیمی است، اما راه حل خدا نیز از قدیم داده شده است. در فصل چهارم دوم قرننیا، پولس می گوید که با وجود آنکه مسائل بسیاری را متحمل می

بود، دست بر نداشت (همچنین فصل های ۶ و ۱۱). این آیات می آموزند که راه دیگری برای مقابله با مسائل زندگی موجود می باشد. بخاطر عشق و علاقه ای که پولس به خدا داشت، به کوشش خود ادامه داد:

دوم قرنیتیان ۴

۱: پس چون در نتیجه رحمتی که بر ما شده است از چنین خدمتی برخورداریم، دلسرد نمی شویم.

چگونه این کار را کرد؟ با نادیده گرفتن احساسات خود که به احتمال زیاد به او می گفتند، ”چه فایده دارد“. متقاضیان نیز معمولاً در ابتدای کار تن به این احساسات می دهند. باید با سماجت در مقابل احساسات منفی ایستادگی کرد:

دوم قرنیتیان ۴

۸: ما از هر سو در فشاریم، اما خرد نشده ایم؛ متحیریم، اما نومید نیستیم؛

۹: آزار می بینیم، اما وانهاده نشده ایم؛ بر زمین افکنده شده ایم، اما از پا در نیامده ایم.

افسردگی را می توان نوعی بُزدلی شناخت. و راه مدرن امروزه که افتخار به خود را راه چاره و مصرف داروهای متعدد را تجویز می نماید، بر این ضعف شخصی سر پوش می گذارد. راهی که خدا در کلامش گفته این است که به راهش ادامه دهیم، صرف نظر از آنکه چه احساس می کنیم، و وقتی این کار را بکنیم، احساس ما نیز با آن تطبیق شده و افسردگی از میان بر می دارد. علاوه بر این، انجام کاری است که باید کرد (کاری که به تعویق افتاده). انجام کار، خود احساس افسردگی را کم خواهد کرد. اما متقاضی نباید حذفش احساس خوب باشد. مهمتر از همه، باید نسبت به مسئولیت هائی که خدا برایش فراهم ساخته وفادار باشد تا خدا را در زندگیش جلال بدهد. این حذف برکات خدا را وسیعتر و جامعتر خواهد نمود. کسی که افسرده است (می گوید ”نمی توانم“)، در ملکوت خدا فایده ای ندارد. ”وانهاده“ شده است. او باید با کلام خدا آشنا بشود:

اوم قرنیتیان ۱۵

۵۸: پس، برادران عزیزم، ثابت و استوار بوده، همواره با سرسپردگی به کار خداوند مشغول باشید، زیرا می دانید زحمت شما در خداوند بیهوده نیست.

خدمت به خدا هیچ گاه بی فایده نبوده و نخواهد بود. باید از حکمتی (برداشت خدائی) که در کلامش هست بهره مند شویم تا بتوانیم قدرت لازم مقابله با احساسات منفی را بدست آوریم. هر ایمانداري جای خود را در کلیسا دارد. به او احتیاج است. نباید پشت به مسئولیت هایش بکند:

غلاطیان ۶

۵: زیرا هر کس بار خود را خواهد بُرد.

نیازی نیز به تسلیم شدن و از پای در آمدن نیست. خدا بطور سریع می تواند افسردگی را از میان بر دارد (حتی در همان هفته آینده). برآورد کار هائی که باید انجام می داده بکنید (در تمام قسمت های مختلف زندگیش)، و برنامه زمان بندی شده را برای انجام آن ها فراهم کنید. اما از همان هفته

اول شروع بکار کنید. هر چه کارها بیشتر انجام بگیرند، روحیه او نیز بهتر خواهد شد.

متقاضی هراسان

هراس می تواند احساس بسیار قوی را ایجاد کند. می تواند انسان را به جنگ، فرار بکشاند، یا "بطور کل فلج سازد. کلام خدا می گوید باید با آنچه باعث هراس شده روبرو شد. ایماندار به عیسی مسیح نیز چنین امکانی را دارد. هزاران ایماندار بجای آنکه عیسی را انکار کنند، به شهادت اکتفا کردند، چون دیدند که خدا می تواند آن ها را در این راه حفظ کند. چگونه این اتفاق افتاد؟ آنچه در متی ۱۴: ۲۶ تا ۳۳ می خوانیم شرح آن را می دهد:

متی ۱۴

۲۶: چون شاگردان او را در حال راه رفتن روی آب دیدند، وحشت کرده، گفتند: «شبح است»، و از ترس فریاد زدند.

۲۷: اما عیسی بی درنگ به آنها گفت: «دل قوی دارید. من هستم، مترسید!»

۲۸: پطرس پاسخ داد: «سرور من، اگر تویی، مرا بگو تا روی آب نزد تو بیایم.»

۲۹: فرمود: «بیا!» آنگاه پطرس از قایق بیرون آمد و روی آب به سوی عیسی به راه افتاد.

۳۰: اما چون توفان را دید، ترسید و در حالی که در آب فرومی رفت، فریاد برآورد: «سرور من، نجاتم ده!»

۳۱: عیسی بی درنگ دست خود را دراز کرد و او را گرفت و گفت: «ای کم ایمان، چرا شک کردی؟»

۳۲: چون به قایق برآمدند، باد فرو نشست.

۳۳: سپس کسانی که در قایق بودند در برابر عیسی روی بر زمین نهاده، گفتند: «براستی که تو پسر خدایی!»

اعتراف کردن به عیسی مسیح در زمانی که خطری وجود دارد کافی نیست. ایمانی باید وجود داشته باشد که امکان استقامت و تحمل دشمن را بدهد، حال هر که می خواهد باشد. وقتی ایماندار خود را در برابر خطری می بیند، باید توجهش را معطوف به خدا کند تا قدرت مقاومت یا فرار را بگونه آبرومند، طبق کلام خدا، بدست آورد. آنچه در چنین موقعیت هائی حاکم می باشد این است: ایماندار باید بیشتر از خدا بترسد تا انسان (زمانی که با خدا هستیم ما را مسون از حملات شیطان نمی کند، اما با خدا بودن است که شیطان را شکست می دهد). این جواب نهائی به ترس است که به متقاضی خواهید داد. علاوه بر آنچه در متی گفته شده، می توانید اول یوحنا را نیز اضافه کنید:

اول یوحنا ۴

۱۸: در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می گیرد و کسی که می ترسد، در محبت به کمال نرسیده است.

وقتی ایماندار، خدا و دیگران را بیشتر از خودش دوست بدارد، ترس در او راه پیدا نخواهد کرد. ترس احساس قوی می باشد، اما محبت قویتر است. آنچه ایماندار انجام می دهد بخاطر آن است که خدایش امر فرموده، صر فتنظر از عواقبی که بار می آورد.

متقاضیانی که غصه دارند

بطوری که پولس می گوید، غصه و اندوه عیب ندارد، اما بدون ایمان مسیحی گناه خواهد بود:

اول تسالونیکیان ۴

۱۳: ای برادران، نمی خواهیم از حال خفتگان بی خبر باشید، مبدا همچون دیگر مردمان که امیدی ندارند، به ماتم بنشینید.

۱۴: زیرا اگر ایمان داریم که عیسی مرد و باز زنده شد، پس به همین سان خدا آنان را نیز که در عیسی خفته اند، با وی باز خواهد آورد.

ایمانداران لازم نیست مانند دنیا غصه دار شوند چون به حقیقت مرگ و حیاط واقفند. آینده را برای خود و عزیزانشان می شناسند. فرق میان غصه با ایمان و غصه بی ایمان را در اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ تا ۱۸ می بینیم. ایمان به رستاخیز (قیام) انتظاری است که همه ایمانداران داشته باشند.

غصه دار بودن به مدت زیاد کار درستی نیست. البته وقت لازم است تا با موقعیت تازه آشنا شد و آن را قبول کرد، اما غصه ای که ماه ها ادامه می یابد تبدیل به گناه خواهد شد. مشاور مسیحی باید به متقاضیانی که غصه شان طولانی شده کمک کنند تا دوباره به صف خادمین خدا بپیوندند. مسئله اینجا است که خود محور شده و می خواهند توجه خواصی که از جانب دیگران به آنها شده، ادامه یابد. بجای آنکه به خدمت خود باز گردند، سعی کرده اند محبت خاصی که بخاطر فوت خویشاوندی نسبیانشان شده را به درازا بکشند. ممکن است بخاطر آنکه دیگران آن محبت خاص را دیگر نشان نمی دهند، خشمگین نیز بشوند.

به این متقاضیان کمک کنید توجه را از خود به جانب عیسی مسیح و دیگر برادران و خواهران کلیسا بگذارند. به آنها نشان بدهید که خدا آنها را برای منظور خاصی زنده نگاه داشته. کمک کنید این منظور خاص را پیدا کنند و مشغول بکار شوند.

متقاضیانی که تقصیر کارند

توجه داشته باشید که صحبت از "احساس تقصیر" و یا "تقصیر خیالی" نمی کنیم. روانشناسان سعی کرده اند با بکار بردن عناوین مختلف از بررسی تقصیر پرهیز کنند. تقصیر غیر واقعی وجود ندارد. تقصیر واقعی است. وقتی شخصی فکر می کند کاری که کرده جرم محسوب خواهد شد (اما در حقیقت گناه آلود نیست)، او مجرم است (حقیقتاً)، چون با وجود آنکه فکر می کرد گناه می باشد (حتی اگر در اشتباه بوده باشد) آن را انجام رسانده است. روحیه ای که در برابر خدا داشت گناه آلود بود.

احساس جرم میان متقاضیان زیاد است، و حذف مشاوران مسیحی از میان بردن آن است. بعضی ها می گویند باید وجدان را ضعیف کرد (انتظارات / معیار را کم کرد)؛ و دیگران سعی می کنند با تجویز دارو احساس های طبیعی آن را از میان بردارند و جرم را در دارو حل کنند. هیچ یک از این راه ها درست نیست. راه کلام خدا برای از میان بردن جرم توبه و ترک (۳) است:

۱۳: هر که گناه خود را بپوشاند، کامیاب نخواهد شد، اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید، رحمت خواهد یافت.

توبه (که شاید برای اکثر متقاضیان شما در همان جلسه اول لازم شود) از دو قسمت تشکیل شده: تغییر افکار و تغییر رفتار:

اشعیا ۵۵

- ۶: خداوند رامادامی که یافت می شود بطلبید و مادامی که نزدیک است او را بخوانید.
- ۷: شریر راه خود را و گناه کار افکار خویش را ترک نماید و بسوی خداوند بازگشت کند و بر وی رحمت خواهد نمود و بسوی خدای ما که معرفت عظیم خواهد کرد.
- ۸: زیرا خداوند می گوید که افکار من افکار شما نیست و طریق های شما طریق های من نی.
- ۹: زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق های من از طریق های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می باشد.

خداوند افکار و رفتارش را تغییر نمی دهد، در نتیجه انسان است که باید تغییر کند. این توبه می باشد. عهد جدید کلام خدا صحبت از تغییر افکار می کند (metanoieo) و عهد قدیم کلام خدا صحبت از تغییر رفتار می کند (shuv). توبه تغییر افکاری است که باعث تغییر رفتار می گردد. انکار یا سرپوش گذاشتن بر تقصیر کار صحیحی نیست. انسان نیاز به بخشش دارد تا آزاد بشود. وقتی بخشش خدا را بدست آورد، آنوقت زندگیش درجات بالاتری را عهده دار خواهد شد. به متقاضی نشان دهید که گناه در مرتبه اول علیه خدا است، حتی وقتی اشخاص دیگر نیز آسیب دیده اند. گناه بی اطاعتی از قوانین خدا است. وقتی خدا به انسان می گوید کاری را انجام دهد و او امتناع می ورزد، این گناه است. وقتی خدا چیزی را منع کرده و انسان با این وجود مرتکب آن می شود، این نیز گناه است. وقتی گناه را چیزی جز ”گناه“ نشماریم، محبت کرده ایم. چرا؟ چون اگر آن را چیز دیگری بشماریم، امید را از میان برده ایم. عیسی مسیح آمد تا برای گناهان بشر بمیرد، نه برای امراض یا اشکال های ژنتیک آن (خدا بنیاد است نه منشعبات آن). در عیسی مسیح بقدر کافی امید هست که گناه از میان برداشته شود. در نتیجه، با متقاضی تقصیر کار از گناه صحبت کنید. کلمه ای است که کمتر راجع به آن شنیده، اما واقعیت این است که مرتکب گناه شده و لازم است بخشیده شود. شاید لازم باشد راجع به خصوصیات بخشش با او صحبت کنید، نتیجتاً خود باید بخوبی آن را دانسته باشید(۴).

متقاضی مغرور

معمولاً متقاضیان بخاطر غرور به مشاوره پناه نمی آورند. با اشکال و عبارات مختلف دیگر، آن را فاش می سازند (عباراتی که حقیقت را برای خود و دیگران استتار می کنند). بعنوان مثال، آدمی که خجالت می کشد کیست؟ کسی که می ترسد خجل گردد. او مغرور است. اگر در چیزی شکست بخورد، و دیگران او را مسخره کنند یا پشت سرش حرف بزنند، شرمسار خواهد شد. چرا؟ چون فکر می کند حق بیش از آن است. نمی خواهد اشکال و یا ضعفی از خود نشان بدهد، و ناچاراً زندگیش را محدود به آنچه می داند می کند. آموختن از اشتباهات کمتر رُخ می دهد، و در

نتیجه آنچه نیاز به تمرین دارد را کم ارزش می خواند. حال به نوع غرور دیگری پردازیم: ”دلخوری“. البته اصطلاح درستی نیست چون دل نیست که صدمه می بیند؛ شخص است. در بیشتر موارد نیز، او است که پایش را دراز کرده و چون شخصی آن را لگد کرده، او را به باد شکایت می کشد که چرا این گونه با او رفتار شده است. حتی اگر پایش را دراز نکرده باشد، اگر کسی خلافی نسبت به او کرده باشد (یا فکر می کند خلافی شده)، درجه خودستائی او بقدری است که یا آن را نادیده نخواهد گرفت، یا بگونه کلام خدا مسئله را حل نخواهد کرد. روحیه او چنین است که می گوید، ”او باید نزد من بیاید. او است که مرتکب خلاف شده“.

اینگونه افراد نیاز دارند درجه خودستایشان پائین بیاید، نه آنکه به گفته روانشناسان بالا برده شود! نیاز به برداشت صحیحی از کلام خدا دارند:

رومیان ۱۲

۳: زیرا به واسطه فیضی که به من عطا شده است، هر یک از شما را می گویم که خود را بیش از آنچه می باید، مپندارید، بلکه هر یک به فراخور میزان ایمانی که خدا به شما بخشیده است، واقع بینانه درباره خود قضاوت کنید.

متی ۱۸

۱۵: «اگر برادرت به تو گناه ورزد، نزدش برو و در خلوت خطایش را به او گوشزد کن. اگر سخت را پذیرفت، برادرت را بازیافته ای؛

اما باید توجه کرده باشند که مسئله اصلیشان غرور است (”من مستحق چنین وضعی نمی باشم“). همچنین می توانید از امثال ۱۶: ۱۸ نیز استفاده کنید:

امثال ۱۶

۱۸: غرور پیشرو نا بودی است، و دل متکبر پیشرو لغزش.

متقاضیانی که رفتار غیر عادی دارند

بعضی مواقع با چنین متقاضیانی مواجه خواهید شد. اگر فکر می کنید مسئله عصبی وجود دارد، او را به طبیب بسپارید. اما اکثر رفتار های غیر عادی دلیل جسمانی ندارند. مواد دارویی (یا مخدر) می تواند سبب چنین رفتار هائی گردد (مصرف دارو را بدست آورید). کمبود خواب نیز می تواند چنین رفتار هائی را ایجاد کند. اگر کمبود خواب در کار است، باید متقاضی را وادار کنید اگر لازم باشد حتی تمام روز را بخوابد، و سپس روز بعد به جلسه بازگشته و مشخص کنید چه باعث کمبود خواب او شده. وانمود سازی (تظاهر) نیز دلیل دیگری است برای رفتار های غیر عادی. تظاهر بعنوان بهانه، برای کار نادرستی که انجام داده یا بخاطر بدست آوردن چیزی.

زوج هائی که مسئله زناشوئی دارند

اکثر مواردی که خواهید داشت از این نوع می باشند. در کتابم ”حل مسائل زناشوئی“ (این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است)، بیشتر مسائل را مورد بحث قرار داده ام. در اینجا من صرفاً به مسائل یک یا دو رشته ای خواهم پرداخت:

۱. مسئله ارتباط. اگر ارتباط مسئله اصلی نباشد، یقیناً جزء مسائل خواهد بود، چون تنها از طریق کلام خدا است که ارتباط صحیح برقرار می گردد. باید آیات مربوط به ارتباط را در دست داشت و بتوان آنها را برای متقاضیان باز کرد.

۲. مسئله روابط جنسی. معمولاً اینگونه مشکلات جنبه جسمانی ندارند. یکی از دلایل مسائل جنسی عدم رسیدگی به مسائل دیگری است که در طول روز میانشان ایجاد شده. وقتی این مسائل را حل نشده به تخت خواب می آورند، روابط جنسی نیز خراب می شوند. در نتیجه باید آنچه در روز می گذرد را مورد تفحص قرار داد.

دلیل دیگر، مسئله عمده ای است که راجع به آن در فصل هفتم اول قرنطیان صحبت شده است. در آنجا، رابطه جنسی دو جانبه توصیف شده، بر ارزی زن یا شوهر در برابر ارزی خود، اولویت داده شده، و بر اجرای مرتب آن نیز تاکید شده است. برای بحث بیشتر راجع به آن نیز می توانید به کتاب ”راهنمای مشاوران مسیحی“ رجوع نمایید (این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است). در بسیاری از موارد، عکس ها و فیلم های لختی در تلویزیون و اینترنت باعث ایجاد اینگونه مسائل می گردند. این موضوع را تفحص کنید. زنا جسمانی یا خیالی (در دل) ممکن است وجود داشته باشد.

۳. مسئله مالی. ممکن است لازم باشد بودجه ای را برای زن و شوهر فراهم سازید. ایجاد بودجه، و چگونگی بحث پیرامون آن را باید نشان دهید. اگر ایمانداری در کلیسا می شناسید که شغلش حساب داری است، از او در این زمینه کمک بگیرید.

ممکن است دزدی در محل کار انجام شده یا خرج های پنهانی انجام شده باشد. پس دادن مال، بازگویی حقیقت، و ایجاد رابطه مجدد با خدا از کارهائی است که معمولاً در این رابطه انجام خواهید داد. باید آماده باشید در چنین موارد با قاطعیت روبرو شوید. اگر اطمینان ندارید چکار باید بکنید، حقیقت را به متقاضی بازگو نمایید، و سپس در جستجوی آن بپردازید. اگر ایمانداری در کلیسا می شناسید که شغلش حقوقی است، از او در این زمینه کمک بگیرید. عشق به پول نیز مسائل بسیاری را ایجاد می سازد. در این زمینه می توانید به اول تیموتائوس ۶: ۵ تا ۱۱، و ۱۷ تا ۱۹ رجوع نمایید. اگر دزدی در کار بوده، به افسسیان ۴: ۲۸ رجوع نمایید.

۴. مسئله فرزندان. وقتی اوضاع خراب می شود، بجای آنکه باهم کار کنند تا مسئله حل شود، معمولاً طرفی دیگری را محکوم می کند. این کار نیز مسئله را بغرنج می سازد، و بچه ای که سرکشی می کند می تواند از آن سواستفاده نماید. معمولاً لازم می شود بچه را نیز به جلسات مشاوره آورد. نباید اجازه دهید کسی پشت سر بچه حرفی را بزند. به همین دلیل لازم است که او حضور داشته باشد تا خود شاهد تمام صحبت ها باشد. سپس باید سر سپردگی نسبت به رفتار های صحیح کتاب مقدسی نیز از جانب همه اعلام بگردد.

متقاضیان مُصّر

تعجب اینجا است، کسانی که ماه ها، یا سال ها است که مسئله ای را داشته اند، می خواهند مسئله شان را یک روزه حل نمایند. وقت زیادی را صرف نوشتن نامه و ایمیل یا پای تلفن خواهند کرد تا مسئله شان هر چه زودتر حل گردد. باید تذکر بدهید که وقت برای او به کنار گذاشته اید، و متقاضیان دیگری نیز هستند که به ایشان کمک می کنید. اگر تلفن می زنند، به منشی خود بگوئید مؤدبانه از صحبت راجع به موضوع امتناع کند و از ایشان بخواهد آنچه در نظر دارند را بطور خلاصه روی کاغذ بنویسند و به جلسه بعد بیاورند. باید موضوع های بحث ثبت شده باشند و تنها زمانی که موردی حل شده، به مورد دیگر پرداخت.

متقاضیانی نیز هستند که مسائل دیگری دارند. اما آنچه در اینجا گفته ام از عمده مسائلی است که خواهید داشت. بیشتر آیاتی که نام برده ام را می توانید برای مسائل دیگر نیز استفاده کنید. با این آیات آشنا شوید و آیات دیگری را خود نیز اضافه کنید. اما در جلسه اول، بیاد داشته باشید که جهت مشاوره را دارید نشان می دهید. این موضوع اصلی است که متقاضی را با خصوصیات کلام آشنا خواهد نمود.

فهرست زیر نویس های فصل هفتم

(۱) بعنوان مثال، این را خواهید گفت، ”حال اگر تا حد امکان به حقیقت مسئله شما پی برده باشم، باید بدانید که خدا بگونه واضح راجع به آن صحبت کرده است. در فصل چهارم افسسیان، خدا کمک اساسی برای مقابله با خشم و عصبانیت را داده است،“ علاوه بر این، خواهید گفت، ”من می دانم که این ممکن است تنها مسئله شما نباشد، و در آینده ممکن است مسائل دیگری فاش گردند، اما در مورد آنچه در حال حاضر در دست می باشد.....“. این بیانات توصیف کننده، همراه با برداشت اولیه از مسئله موجود، و نشانه های اولیه از مسیر راه مشاوره برای حل مسائل، در بیشتر موارد نه تنها این سه مورد ذکر شده را انجام می رسانند، بلکه امید را نیز بنا می کنند. بسیاری از متقاضیان می دانند که مشاور ابتدا می نشیند و به حرف های متقاضی گوش می دهد. اما وقتی مسیری را (کلام خدا) برایش روشن می سازید، و نشان می دهید که می خواهید کمک کنید قدم در این مسیر برداشت نماید، پنجره تازه ای را بر روی زندگی او باز خواهید نمود. وقتی من چنین کاری را انجام داده ام، متقاضیانی بودند که پرسیدند، ”یعنی شما کاری را انجام خواهید داد؟!“

(۲) توجه شما را به کتابچه ”مسیح و مشکلات شما“ جلب می کنم.

(۳) البته ”ترک“ راه گناه آلود، خود قسمتی از توبه می باشد (افکار و رفتار)، و سوای آن نیست.

(۴) راجع به این موضوع به کتاب من From Forgiveness to Forgiving رجوع نمایند.

(این کتاب تا بحال به زبان فارسی ترجمه نشده است)